

## سیاست سرزمینی، امنیت و قاچاق کالا

از جمله بحث های مهم در اقتصاد سرزمینی، وجود پدیده ی اقتصاد پنهان یا اقتصاد زیر زمینی است که اقتصاد کشورها به ویژه اقتصاد کشور های توسعه نیافته را در معرض خطر ها و تهدید های جدی قرار می دهد. ایجاد اختلال در برنامه ریزی های اقتصادی و گردش پولی خارج از شبکه، یکی از نتایج و پیامدهای زیان بار قاچاق کالا و ارز به عنوان شاخه ای از اقتصاد پنهان می باشد. بدیهی است که هرگاه در روند برنامه ریزی های اقتصادی کشوری اختلال به وجود آید، سیاست های آمایش سرزمین و برنامه ریزی های فضایی و ملی نیز متاثر گردیده و به گونه ای دچار ناهمگونی و بی بهره گی از امنیت اقتصادی - اجتماعی می گردند.

لازمه جلوگیری از این جریان، تنظیم سیاست های پیش گیرانه، مبارزه ای و مقابله ای با قاچاق کالا و نیز سیاست گذاری و اصلاح الگوی مصرف است. خوش بختانه در سال های اخیر، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز به این مهم پرداخته و با تنظیم سند ملی راهبردی و ارائه طرح های اقدام راهبردی و نشر و چاپ آن گام بلندی در این مسیر برداشته است. اما لازم است با تدقیق این سند و تنظیم آن به صورت لایحه ای فراگیر، مبارزه با قاچاق کالا و ارز در بستری نظام وار و برخوردار از اهداف بلند مدت قرار گیرد.

بی تردید در این حوزه، سیاست های فضایی (اعم از فضای فیزیکی و مجازی) می تواند در برطرف ساختن مخاطرات امنیتی در مرزها کارساز باشد تا امنیت مرزی از جهات مختلف به بهترین صورت تامین گردد. به عبارت دیگر سیاست های سرزمینی که از آن به عنوان ژئوپولیتیک یاد می شود، می تواند در افزایش یا کاهش قاچاق کالا و ارز تاثیر بگذارد. این سیاست ها در صورتی که تعادل منطقه ای و سرزمینی را وجهه عمل قرار دهند، به یقین مفید و کارگشا بوده و قاچاق کالا را تنزل و امنیت اقتصادی را مضاعف خواهند نمود. به همین

ترتیب با در پیش گرفتن سیاست های نامتعادل و ناسازگار، معضلات متعددی ببار خواهد آمد .

وانگهی نظارت بر مرزها و کنترل آن ها ، تاثیری انکار ناشدنی بر امنیت اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مملکت دارد . امروزه در سیاست های مدیریتی بر کنترل درونی بیش از کنترل فیزیکی اعتبار قائل می شوند و از همین روست که در امر کنترل های مرزی بر تقویت باورها و نگرش ها بیش تر تاکید می شود . هر چند کنترل فیزیکی نیز در جای خود مهم و ضروری است . در انسداد مرزی نیز انسداد فیزیکی با توجه به وسعت کشور و طولانی بودن خطوط مرزی ، در تغییر شرایط و حصول نتایج مثبت چندان نتیجه بخش نبوده و آن گاه که فناوری های جدید با تکمیل زیرساخت های اقتصادی و انجام فعالیت های عمرانی قرین گشته اند، نتیجه بهتری حاصل گردیده و احساس امنیت تقویت شده است.

از میان عوامل ثابت و متغیر ژئوپولیتیکی مرتبط با مرزها نیز بایستی برای جمعیت و ویژگی های ساختاری آن و نیز منابع طبیعی ، اهمیت زیادتری قائل گردیم چراکه بدون شناخت ویژگی ها و تحولات مربوط به این عوامل، امکان انتخاب راهبردهای اصولی و منطقی و به کارگیری آن ها در راستای ایجاد امنیت اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی از ما سلب می گردد . در این ارتباط توصیه می شود :

۱. مسئولان و دلسوزان نظام بر آمایش سرزمین و مدیریت صحیح و منطقی منابع محیطی و انسانی توجه بیش تری نموده و با سیاست گذاری های بلندمدت ، استفاده بهینه از منابع و امکانات را برای ایجاد امنیت اقتصادی واجتماعی جامعه هدف گیرند .
۲. به جای شیوه های مبارزاتی فیزیکی، سیاست های پیش گیرانه مورد تاکید بیش تر قرار گرفته و به تنظیم و اجرای دقیق آن ها مبادرت گردد.
۳. بستری های لازم برای زندگی بهتر مردم در مناطق مرزی فراهم آمده و عمران و آبادانی سکونتگاه های مرزی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد .
۴. ویژگی های ژئوپولیتیکی و ظرفیت های آن در جهت ایجاد امنیت در مناطق مرزی به کار گرفته شود .
۵. از راه درونی سازی ارزش ها و نگرش ها در حوزه امنیت ملی و سرزمینی و با بکار گیری فناوری های نوین ، امنیت مرزها در اولویت قرار گیرد .